



﴿ قیمت اشتراك سالانه ﴾

طهران دوازده (۱۲) قران
 سایر بلاد ایران هنده (۱۷) قران
 ممالک خارجه دو (۲) تومان
 ﴿ قیمت تک نمره ﴾
 طهران چهار (۴) شاهی
 سایر بلاد ایران (۵) شاهی

فاذا نفخ في الصور فلا اَنساب بينهم

هفتگی سیاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و لوایحی
 که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته
 میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است ،
 یا کتبهای بدون [نمبر] قبول نخواهد شد ،
 ﴿ وجه آئونه از هر کس و از هر جا مقدمتاً گرفته میشود ﴾

﴿ عنوان مراسلات ﴾

میرزا جهانگیر خان شیرازی و
 میرزا قاسم خان تبریزی
 ﴿ طهران نزدیک امامزاده یحیی ﴾
 ﴿ کوجه مسجد فاضل خلخالی ﴾
 دیرو نکارنده میرزا علی اکبر خان قزوینی
 نجشنبه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۶ هجری

﴿ بشارت ﴾

شبهای جمه از نیم ساعت بعد از غروب آفتاب جناب
 مستطاب بهاء الواعظین دامت برکاته واعظ مخصوص مدرسه
 (در مدرسه مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار) وعظ
 مفرمایند و محاسن مشروطیت را با حدیث و اخبار شرعی و
 براهین و دلائل عقلمه بیان مینمایند .

﴿ بقیه از نمره قبل ﴾

[رامی شولی] که یکی دیگر از وکلای دومی اولی
 روس است در استنطاق میگوید :
 تصور اینکه دوما (مجلس شوری) را استنطاق
 می کنند خیلی دشوار است ، در صورتیکه فاصله این فرمان
 هفدهم [اکتبر] که بموجب آن ما برای تغییر امور
 دولتی انتخاب شدیم تا حالا که روی این سند لپهانشسته ایم
 بیش از یک سال و نیم نیست .
 آیا چه اتفاق افتاده ؟ آیا چه پیش آمده ؟ آیا ما

﴿ اعلام ﴾

(۱) ضامن وجوه آئونه مشترکین صور اسرافیل در بلاد
 داخله و خارجه وکلای محترم اداره اند .
 (۲) اجرت اعلان سطری دو قران ، در صورت تکرار
 تخفیف داده میشود .
 (۳) موزعین صور اسرافیل سوای مطابیه و جه آئونه
 حق هیچگونه اخذ وجهی از مشترکین عظام نداشته و
 ندارند .

﴿ اعلان از طرف اداره ﴾

خدمت شرکاء عظام دامت توفیقاتهم گذشته از اینکه نکارنده
 محترم جناب آقا میرزا علی اکبر خان ناخوش سخت بودند
 نظر بساره از مصالح راجع به دوام جریده تعطیل
 موقتی نیز مقتضی بود انشاء الله از همین هفته مرتباً توزیع
 خواهد شد و جبر کسرهای گذشته نیز بعمل می آید .
 ﴿ قاسم ﴾

تقبیری در ارادت ملت یعنی مواد مأموریت خود داده ایم ؟ آیا ما خواسته ایم فرمان هفدهم اکتبر را بر هم زده چرخ تاریخ را عقب بکشیم ؟ - نه ، هیچکدام اینها نیست و نسبت به چیک از این تقصیرها را بما نمیتوان داد ، تنها چیزی را که ظاهراً برای تقصیر مایمیتوان دست آور کرد این است که چطور میشود اشخاصی که بر حسب اتفاق نادر از طرف ملتی جوان انتخاب شده و تازه بامور [بلتبیکی] دست زده بودند در یک روز روشن در شهر [ویبورگ] اعلان کنند که ملت بدولت سرباز و مالیات بدهد ؟ آیا این اشخاص یکدفعه منکر مالیات و سرباز بوده اند ؟ نه ، پس چه امری ما را باین کار مجبور کرد ؟

من حالا شرح این معنی را میدهم ، و آشکار میکنم که انفصال دوما که از طرف دولت شده تقصیر بوده نه اعلان [ویبورگ] درین موقع رئیس محکمه حرف اورا بریده میگویی من اجازه نمیدهم که شما بی ادبانه رفتار دولت را انتقاد کنید ، خاصه که این انفصال بر حسب حکم اعلائی امپراطور بوده ، خواهش دارم که من بعد اینطور حرف نزنید و اگر نه حق تکلم را از شما میگیرم . و کبل سرباز پس از آنکه جمله چند با کمال همچنان میگردد و انگش متغیر شده حالتش بهم میخورد و نافر دای آتروز در مریضخانه محبس مانده حائش پرتز شده حاضر استنطاق میشود . و پس از آنکه مذاکراتی را که دیروز در غیاب او شده برایش میخوانند دو باره شروع به نطق کرده میگویی :

گفتگوی ما دیروز با نجا ختم شد که توای تازه در ماه [اکتبر] بر قوای کهنه غاب آمد و نتیجه آن غلبه فرمان ۱۷ اکتبر شد که در معنی مصالحه نامه جنگبان دو طرف بود ، و بموجب فرمان مزبور حقوق ملت شناخته شده و اهالی خوشوقت شدند ، ولی همه میدانند که این خوشوقتی پیش از موقع یعنی تنها امیدواری به آیند بود با اینهمه روز ۱۷ [اکتبر] بزرگترین روزی از تاریخ جهات ملت روس محسوب میشود ، در این روز ملت بواسطه قوای خود حقوق منصوبه خویش را استرداد کرد (رئیس محکمه باز نطق او را قطع کرده میگویی چنین چیزی نبود) و کبل باز دنباله صحبت را گرفته میگویی عیبی که در کار پیدا شد تنها همین بود که ملت بدولت مطمئن شده

قول را فعل تصور نموده و از نیرو فتوحات خود را کامل نکرده ترك اسلحه نمود ، بلی هیچکس تصور نمیکرد که دشمن ملت از هستی او نمیکزد ، طبقات پست رعیت که اولین مجاهدین و فدائیان حریت بودند عقیده دشمن خود را درست فهمیده بودند که از ملت خواهش نمودند که ترك اسلحه نکرده فریفته و عده های بی اصل دوات نشوند ، ولی افسوس که سایرین جنگ را کنار گذاشته و بفتح اول قناعت نموده برای استنشاق هوای تازه حریت عجله کردند ، و اینمقی سبب شد که دشمن مغلوب ، ملت را خواب خرگوشی داده و مشغول تجدید قوای خود شد (باز رئیس محاکمات حرف او را بریده میگویی بدین الفاظ را استعمال نکنید) معنی آزادی هنوز در مغز و دماغ ملت درست جا نکرده بود . . . (باز رئیس محکمه میگویی این مطلب ربطی به تقصیر شما در امتحای اعلان [ویبورگ] ندارد خواهش دارم در این باب حرف نزنید) در موقع خاموشی همچنان ملت دولت از حدود خود تجاوز کرده خواست که از فرمانی که در هفدهم اکتبر از او گرفتند تخلف نماید . (باز رئیس میگویی بدین دفعه آخر است که میگویی این الفاظ را استعمال نکنید) پس در اینصورت حرف نمیتوان زد . حالا که نمیتوانم شرح آن وقایع و موانع را بدهم سعی میکنم که از آنها بگذرم ، دوات نخواست یک مرتبه فرمان ۱۷ [اکتبر] را که حاوی آزادی ملت بود انکار کند و بنا بر این از روی احتیاط و کم کم مشغول کار شد . (باز رئیس میگویی محکمه حاضر نیست خیالاتی را که شما بدولت نسبت میدهید بشنود) از اینقرار از آزادیهای سابق هیچ چیز برای ما باقی نمانده است و به یکبارگی بهمان اوضاع عبودیت پیش از ماه اکتبر برگشته ایم (رئیس میگویی گفتیم این مطالب ربطی بکار شما ندارد) در میان این سه دوما معلوم است که دوما اول برای حسن انتخاب بهتر از سایرین میتوانست فرمان هفدهم اکتبر را بموقع اجری گذارد ، لیکن با اولیای دولت وقت نتوانست کار کند ،

بقیه دارد

مکتوب شهری

۱۴ صفر ۱۳۲۶

در عمده ۲۵ صور اسرافیل در مقاله [وقعه ناگوار]
مذاکراتی از قول یزید نگارش یافته بود که در گمرک
بیان نموده ام ، منتهای تشکر را دارم که شرح ذیل
را که حقیقت واقع است در جریده خود درج نمایند ،
بنده با [اتومبیل] در جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ بدرج
اندرون سلطنتی رفته و بر حسب معمول پرده و شیشه های
اتومبیل را بالا کشیده ، فرمایشات قصر سلطنتی نظم و
ترتیب را بخوبی مجری داشته و از طرفین میرفتند ، سواران
کشیکخانه همچوقت بمن تحکم نمی نمایند و بناها طرف صحبت
و تکلم میباشم ، و به هیچوجه بانان نگفته ام که احتمال خطر
یا سو فصدی برای ذات ملوکانه است ، ولی من [بم] را
در دستمال قرمزخانه شطرنجی در دست مرا تکب دیدم که
بطرف اتومبیل خواست بپندازد ، چون اتومبیل را بسرعت
راندم نتوانستم او را بشناسم ، و سوار کشیکخانه را هم ندیدم
که کسی را بکشد ،

وارنه اتومبیل چی اعلم حضرت همیونی

وقعه جانکاه فارس

گویا در تمام ممالک ایران کسی نیست که ناله و فریاد
اهالی بیچاره فارس را از سو رفتار و بی اعتمادی قوام الملک
و پسر هایش نشنیده باشد ! یا انقلاب و شورشهای سال
گذشته آنجا را نداند که با خونریزیهای زیاد و خسارهای
فوق الطافه و چند ماه تحصن هزارها دردمند در تلگراف
خانه شیراز و دارالشورای ملی آن سه نفر سلطان مستقل
را از سلطنت آن مملکت عزل کرده بطهران آوردند ،
هنوز انعکاس صدای ندبه و سحبه زنان داغ دیده و گریه
وزاری اطفال بدر کشته در فضا محو نشده ! ! و ستمزدگان
نفسی راحت نمود ! ! و تالم صاحبان حس و وجدان
رفع نگردیده مجدداً نصر الدوله و سالار السلطان بجهت گرفتن
آخرین رهق و حیوة آن دسته مظلومین بیصاحب ! آن
بیچارگان بیگس و آن بدبخت ترین ایرانیان بزور رشوهائی
که بر باب حل و عقد دادند به شیراز مراجعت کرده و از قتل
نفس و حیوان و غارت قری و دیهات و اذیت و آزار مسلمانان
فروگذار نمودند ! ! و هر چه مظلومین باولسای دولت
تسکی کردند کان لم یکن مانند بوض دادخواهی و احقاق حقوق
ملت مستمند قوام الملک را هم با هم وصول و ایصال مالیات با بجا

فرستادند و وقعی بشکایات آن فلکزدگان نگذاشته ! !
تا اینکه منتقم قهار نعمه الله نام بر وجدی را برانگیخت و
و با چند گلوله [رولوه] قوام را کشت و یک مملکت را از شر آن
فرومایه شقی خلاص کرد و آن پست فطرت را بکسیر اعمال
خود رسانید ، پسران نابکارش بجای جلب قلوب
منکسره و حسن سلوک هموطنان خویش که ساطع است آن بدبختان را
انی آسوده نگذاشته با کمال جسارت و تهور تلگرام ذیل را که
مبنی بر تهدید است بمجلس مقدس عرض نمودند

توسط ۰۰۰ آقا سید جعفر ۰۰۰ (وکیل فارس)
حضور وکلای مجلس مقدس ، هر قدر شرارت ممتد
دیوان و انجمن اسلامی و حاج سید عبدالحسین
(مجتهد) را عرض کردیم فائده حاصل نشد و امروز
که روز شنبه (۲ صفر ۱۳۲۶) است نعمه الله نام
آدم متمد دیوان بضر بگلوله ششول کار قوام الملک
را ساخت ، هر گاه این اشخاص بسزای خود نرسند
علاوه بر اینکه متمد دیوان و غیره کشته خواهند شد
فساد بزرگی در شیراز احداث میشود ، نعمه الله هم
فعلا دستگیر و محبوس است .

با وجودیکه مضمون تلگرام اقدام بقتل و فساد آنها را
تصریح میکنند امنای مات و هیئت وزرا ساکت مانده و
اعتراض و جلوگیری از جسارت آن دو نفر شریر نکرده و تا اینکه
بخلاف دیره مشروطیت قاتل را بدون استنطاق بمیل خنوه
قطعه قطعه کردند ! و به منتهای درجه شقاوت جوی
بیگناه و حجة الاسلام آقا شیخ محمد باقر و آقا سید احمد
معین الاسلام را بدترین وضعی شهید نموده !! و جسد
آن سید مظلوم را بعد از شهادت بدار زده و سوزانیدند !!
و خانه های مشروطه خواهان را خراب کرده و آنچه را که
توانستند از قوه بقتل آوردند !!

عجالتاً ما درین نمره شرح وقایع جانکاه فارس را
منحصر به تلگرامهایی که بخبر نموده اند ، اینها هم تلبطور مفصل در
شماره آتیه خلاصه مراسلاتی را که با اداره رسیده محض
استحضار خاطر مشترکین محترم نگاشته شود .

تلگرام شیراز بطهران با سیم انگلیس

۱۰ مارس ۱۹۰۸ ۷ صفر ۱۳۲۶

بتوسط انجمن های جنوب ، آذربایجان ، اتحادیه
طلاب ، انجمن اصفهان حضور مجلس مقدس ، امروز

در مجلس فاتحه قوام پسران خونخوار او آقا شیخ محمد باقر حجة الاسلام و حاج سید احمد معین الاسلام را بضر کلوله شهید کردند ! ! و جنازه معین الاسلام را بدارزده بعد بانفت و بویا آتش زده !!! در موقع شلک بای سالار السلطان تیر خورده ، خانه مشروطه خواهان غارت و سب اطمینان جانی و مالی از ملت شد ! آیا باز توقف آنها را در فارس واجب میدانید ؟ !! امان امان !! دخیل دخیل !! اگر علاج فوری نشود عموم مشروطه خواهان کشته میشوند ! علاج فوری خروج آنها از شیراز است .

انجمن اسلامی ، انجمن انصار

ایضاً ۸ صفر ۱۳۲۶ نمره ۵۷

توسط انجمن های جنوب ، آذربایجان ، اتحادیه طلاب ، بنی فاطمه ، فرهنگ ، برادران دروازه قزوین ، اصناف و سایر انجمن های مشروطه خواه ، جریده مجلس ، ندای وطن ، جبل المتین یومیه ، صبح صادق ، صور اسرافیل ، بساحت مقدس دارالشورای ملی شهید الله ارکانها ، روز شنبه ۴ صفر بکنفر مجهول در باغ دیوان خانه قوام الملک در محضر عام قوام الملک را بضر چهار تیر ششول مقتول می نماید و بلافاصله خود را میکشد ! از جیب او کاغذی باین مضمون بیرون آمده «نعمه الله بروجردی نمره ۱۹ قاتل نصرالدوله پسر قوام الملک شیرازی» این ورقه اسباب هرجان پسران قوام و اتباع شریر آنها شده و تا دیروز عصر در باب خانه مشروطه خواهان را عارت و چند نفر بی گناه را دستگیر می نمایند و در محبس خودشان حبس و زجر میکنند ! ناره غضب پسران قوام الملک مشتمل شده امروز صبح در بر خاستن از مجلس فاتحه در حسینیه قوام الملک از پشت بام و فضای حسینیه حکم بشلک می نمایند که شیخ محمد باقر حجة الاسلام و حاج سید احمد معین الاسلام را تیر باران نمایند !!! آقا شیخ محمد باقر دو تیر بر مه دارد کلوله خود هایشان بای سالار السلطان می خورد و دو نفر مرد و یک نفر زن مقتول میشوند !! و حاج معین الاسلام فرار میکنند در پانصد قدم دور از حسینیه آقا بیک سر کرده اش را رسیده بضر کلوله کار او را می سازد بعد تفنگ چهار سپیده نعلش او را تیر باران نموده بزر به بای آن سید مظلوم بسته می آورند در حسینیه پاره میزنند !!! بعد از یک ساعت حکم میرسد که جنازه اش را آتش بزنند !!! آن بیروت ها اورا بانفت

آتش زده خاکسترش را در خندق براد می دهند !!! ای مسلمانان این مصیبت بالاتر از واقعه میدان توپخانه است !!! این عالم نمای از خدا بی خبر و پسران قوام به اولاد رسول و پیش وای دین بین این قسم رفتار نمودند !! ما بد بختان فلک زده چه کنیم !! نمیدانیم بجه زبان استغاثه کنیم که وکلای با شرف ما اجازه دفع شر آنها را بدهند ، انالله و انا الیه راجعون . (انجمن اسلامی ، انجمن اصناف)

ایضاً باسیم انگلیس (۱۲ مارس ۱۹۰۸)

۹ صفر ۱۳۲۶

عموم مشروطه خواهان شهاها منتظرید که ماها را بکشند و متله کنند و آتش بزنند عزاداری کنید و فاتحه بگذارید !! ؟

تشی قلب داغ دیده ماها منحصر بقصاص پسران قوام است ، الدخیل الدخیل !! العجل العجل !

انجمن اسلامی ، انجمن انصار

ایضاً باسیم انگلیس (۱۳ مارس ۱۹۰۸)

دوم صفر ۱۳۱۶

شریعتمدار آقای اصفهانی ، شهادت شیخ شهید اصطهباناتی و سید احمد معین الاسلام و به دار کشیدن و آتش زدن جسدش عموم ملت اسلام در هرجان ، علما و مشروطه خواهان در خطر !! اشرا ب حکم مستبدین مشغول قتل و غارت !! آیتین بهبهانی و طباطبائی از حال ملت اسلام غافل ! غفلت دولت و مجلس از علاج فوری باعث خرابی مملکت !! جمع ضدین محال است !

وکبل ، انجمن های اسلامی و انصار ،

احقر عبدالحسین الموسوی

ایضاً نمره ۷۲ سفارشی دهم صفر ۱۳۲۶

خدمت جناب حاج نایب الصدر ، در محاصره عظیم هستیم ! ! زن و بچه منزلت نتیجه اقدامات را بفرمائید .

انجمن اسلامی

ایضاً نمره ۸۱ دوازدهم صفر ۱۳۲۶

خدمت انجمن محترم جنوب ، گماشتهگان پسران قوام پست راه بوشهر را زدند ! سوار فرستاده اند پست طهران را هم بزنند که منصلاً اخبار نرسد ! !

انجمن اسلامی ، انجمن انصار

ایضاً نمره ۸۰ دوازدهم صفر ۱۳۲۶

توسط انجمن جنوبی ، خدمت حجج الاسلام و کھوف الانام بہمانی و طباطبائی و امام جمعہ و مجلس مقدس ملی ، آیا هنوز صبر دارید و ساکت می نشینید ؟ کہ پسران قوام باصرار زیاد آقای حجة الاسلام شہید را برای برچیدن خیم قوام دعوت کنند و در آن مجلس امر بشلیک کنند و آن پیر مرد را بعد از هفتاد سال خدمت بشرع ہجده گلولہ بزنند و لباسهای اورا غارت نمایند ؟ ! ! حال رئیس اسلام کہ این باشد از دست دو پسران قوام حال مسلمین چگونه است ؟ ! [و علی الاسلام السلام فلیک الیا کون] (الاحقر سراج الدین بن شہید ، الاقل علی بن الشہید ، الاقل جعفر بن الشہید)

✽ ایضاً نمره ۸۷ سیزدهم صفر ۱۳۲۶ ✽

توسط شریعتمدار آقا شہنوش و کبیل و انجمن محترم جنوب دامت برکاتہم ، خدمت حضرت ۰۰۰ وزیر داخلہ دامت شوکتہ ، پسران قوام بتطاریک و دقار استبداد بنای اغتشاش بیرونہارا نہادہ و تفنگچی از اطراف جمع میکنند گویا انتقال دہ کرور مائتہ قوام آنها را مقرر کردہ کہ ساعت بساعت بر مردم و عصبان بدولت و ملت می افزایند ! اما حال خودمان ہر ساعت منتظر شہادت کہ از چہ طرف بدست کدام شریر مبتلا شویم !!

✽ انجمن اسلامی انصار ✽

✽ ایضاً نمره ۹۵ سیزدهم صفر ۱۳۲۶ ✽

بتوسط انجمن های محترم جنوب ، آذربایجان ، نجی فاطمہ ، اتحادیہ طلاب ، مظفری ، اصناف ، اصنہان ، الفت سمسار ، بردران دروازه قزوین ، مجاہدین وغیرہ و جریدہ های مجلس ، مساوات ، صور اسرافیل ، تمدن ، تدین ، صبح صادق ، ندای وطن ، محاکمات ، حقوق و عموم جراید بمقام رفیع دارالشورای ملی شہد اللہ ارکانہا و حضرت ۰۰۰ وزیر داخلہ ، وزیر عدلیہ دامت شوکتہم ، گویا آہ سوز ناک و فریاد دردناک ماہای بیچارہ از ظلم خائمان سوخته و تیرہای دل دوز پسرہای قوام الملک در امنأ مجلس مقدس و اولیای دولت و مات اثری نکرده و فایده بجہت ماہای مصیبت زدہ نموده ! بلکہ بعکس نتیجہ بخشیدہ ! در مقابل احکام احضاریہ از دولت و مات استبداد ورزیدہ تفنگچی از دہات

شخصی و ایلات خود در شہر حاضر کردہ شاہ چراغ (سہد میر محمد عم) سہد علاء الدین تلکرافخانہ ، مدرسہ خان ، اماکن رفیعہ شہر را سنگر بستہ تہیہ قتل عموم مشروطہ طلبان را می بندند ! طرق و شوارع را مفشوش و نوکرہای خود را براه زنی و غارت گری وا میدارند !! وا اسلاماہ !! وا دینتہ !! وا محمدا !! وا علیہا !! وا فاطمتہ !! وا حسناہ !! وا حسیناہ !! حجة الاسلام نود سالہ را بضرب ہفدہ کاولہ کشتہ !! حاج معین الاسلام جوان نام کام سی سالہ را تیر باران میکنند و جنازہ او را بدار میزنند بعد قطعہ قطعہ میکنند ! ! یکی انگشت اورا بطمع انگشتی قطع میکنند ! یکی سنہ او را بطمع ساعت طلا و [نونہای - اسکناسہای] بفلس با کرد سوراخ سوراخ می کنند ! ! بعد بافت و بوریہا جسدش را آتش میزنند !! دولت بحکم ظاہری آنها را احضار کردہ اطاعت نمی کنند ! تفنگچی جمع میکنند ! سنگر می بندند ! تہیہ قتل جمعی مظلوم بیگناہ را می بینند کہ چرا شہا مطالبہ حقوق متصوبہ مشروعه خود را نمودید !

✽ انجمن اسلامی ، انجمن انصار ✽

✽ ایضاً جواب انجمن های محترم طهران ✽

✽ نمره هشتاد ۱۴ صفر ۱۳۲۶ ✽

مستبدین و اشرار و اهل ذمہ در کمال اقتدار و امنیہ ! مشروطہ خواہان و سادات در ذلت ہمگی در منازل متزلزل و منتظر قتل و غارتیم !!

✽ انجمن اسلامی ، انجمن انصار ✽

✽ ایضاً نمره ۱۰۳ چہاردهم صفر ۱۳۲۶ ✽

جواب تلگرام انگلیسی توسط انجمن جنوب ، جناب مستطاب ظہیر الاسلام مادامی کہ پسران قوام کہ قاتل شہیدین مظلومین حجة الاسلام و معین الاسلام اند و ہر روزہ مصدر شرارت جدید میشوند در فارس باشند و بقصاص برسند آسایش و امنیہ فارس محال است ، شمشہ از شرارت آنها خدمت عموم انجمن ہا عرض شدہ .

✽ انجمن اسلامی ، انجمن انصار ✽

✽ ایضاً باسیم انگلیس ۱۷ مارس ۱۹۰۸ ✽

✽ ۱۴ صفر ۱۳۲۶ ✽

حضور حجة الاسلام ابواللہ آقای بہمانی ، آقای امام جمعہ

آقای صدرالعلماء ، انجمن اتحادیه طلاب ، انجمن جنوب ، تا بحال پسران قوام اطاعت اوامر دوات و ملت را نکرده بلکه بر استبداد و شرارت افزوده ! شهر و بیرونها را مفشوش ! تفنگچی از دیهات خود آورده سنگر بندی می کنند ! بکلی امنیت مالی و جانی معدوم ! هر ساعت منتظر کشته شدن ترجم فرمائید ! الامان ! الامان !
 الل خیل ! الل خیل !!

✽ انجمن اسلامی ، انجمن انصار ✽

✽ ن ظ م سادات و اهالی ورامین طهران ✽

عرض جان نثاران سادات و رعایای ورامین محضور مبارک بشدگان اعضای انجمن اتحادیه برادران و عامه مسلمین و غیر تمذین دین مبین این است - بدسی است که خدای متعال انجام امور عالم را بوسایل اسباب قرار داده ، و کار احدی بدون سبب انجام پذیر نخواهد بود ، مثل آنکه بتوجه نفوس قدسیه و حریت قلوب عامه و جهت اهل غیرت دفع ظلم و استبداد فرموده و بحمد الله بساط بانشاط مشروطه گسترده چنانچه اگر هوا خواهان ملت نبودند مرکز ایران باین قبض عظمی و باین نعمت کبری، نایل میشد لهذا بر هر مسلمی لازم و واجب است که از هوا خواهان و جان نثاران با غیرت کمال همراهی را نمایند تا ارکان این بساط روز بروز محکم تر و هوا خواهان آن بیشتر گردد ، لهذا مکرمارعایای [ورامین] نهواخواهی مجلس مقدس و همراهی ملت از جان و مال دست کشیده و سه ماه است در این شهر با اقسام خسارت مبتلا هستیم و روی رفتن بوطن خود را نداریم ! و تمام علاقه و همتی ما زیر دست دشمن ملت است ! ! مگر شیخ محمود و اطرافش برای فساد و شرارت و خرابی مجلس مقدس میدان توپخانه نیامدند ؟ و شما مردم مشروطه خواه آنها را ندیدید ؟ مگر عیالات ما خواهران شما نیستند که بدست دشمن گرفتار شده اند ؟ ! ! هیچ مبداءید بان بیچاره ها چه میگردد ! و باموال و اغنام ما ستم دیده ها دست اندازی نموده هر چه توانسته اند بردند ! پس کجا رفت فتوت و غیرت و جهت شما ها ؟ ! چه شد که باید مستبدین میدان مجازات برسند اما مستبدین دوازده فرسنگی طهران که محض فساد و

شرارت و رختن خون و بردن مال مسلمانان حاضر شدند مجازات نشوند ؟ اگر عرض کنم علت این است که بحال فدویهای دور از نظر فتوت کنبند و درحق بیچارگان فقیر و زحمت بی مقدار غیرت نمفرمائید خلاف ادبست ؟ اگر عرض کنیم وزرای مسئول حمایام الفساد و ابوالاشرار و مخرب المله یعنی اقبال الدوله را مفرمائید و ابدأ ملاحظه مظلوم و خدا را ندارند شاید قبول فرمائید ! ! خدایا تو گواه باش که ما بیچارگان تظلم و بیچارگی خود را خدمت رئیس اسلام و قاطبه مسلمین مکرر عرض کردیم و داد خواهی نمودیم و مال و عیال و اطفال و جان خود را در همراهی ملت فدا نمودیم ولی کسی بداد ما میرسد ! ! خدایا تو گواه باش و تو بداد ما برس ! بلزوم عرض میکنیم امان از ظلمهای اقبال الدوله ! ! امان از ظلم شیخ محمود و اطرافش ! محض آتمام حجت عرض شد .

اسماعیل ، محمد حسین ، محمد آقا ، حیدر ، محمد ، حسن طباطبائی ،

✽ جواب مکتوب عشق آباد ✽

م ۱ م ، مراسله غم انگیز مورخه ۹ صفر ۱۳۲۶ واصل گشت ، چنان نماید و چنین نیز هم نخواهد ماند .

چرند پرنده

✽ سال نامه ✽

در همه دنیا رسم است سال که باخیز رسیده وقایع عمده آن سال را بعضی ها در یک کتاب نوشته انتشار می دهند . ما هم می خواستیم وقایع عمده سال گذشته را مفصلاً بنویسیم انتشار بدهیم . اما نمی دانم دیگر چطور شد که نوشتیم احتمال می رود که تقدیر نشده بود . باری حالا همان وقایع را بطور اختصار می نویسم اگر مخالف با قانون باشد دیگر تقصیر مایست . برای اینکه ما هم خیر و شر کردیم و هم صبر و جحذ . اگر شرمی آمد نمی نوشتیم اگر صبر هم میامد نمی نوشتیم پس حالا که هیچکدام نیامده معلوم میشود که باید بنویسیم . خلاصه میرویم سر مطلب ، چون سال گذشته روی گوسفند

میگویند نشده) مصمم شد که اگر آقا سید حسن تقی راده بجای نطق در مجلس قرآن هم بخواند تکذیب کند (نزدیکان گفته اند خالف شهر - از اینراه نشد از آن راه)

مبگست چنانکه همه اولیای در باری و یازه و کلا و هشت نفر از وزرای دانشد بگوسفند ها بد نگذشت ، خورد ، خوراك ، آغل ، و چرا گاه و سایر لوازم زندگیشان كوك بود (خدا کند که همیشه كوك باشد مانه حدود نیستیم) وهم در این سال اتحاد اسلامی از باعالمی بتوسط فریق باثابتها نواحی ساوجبلاغ و ارومیه و [مپاندو آب] و سقز و یانه اعلان شده پادشاه کل مملکت آذربایجان اعلم حضرت میر هاشم آقا نیز آن را تصدیق نمود . و مارشال اوپامای شرق جناب وزیر نظام شب ۲۱ رمضان در مسجد سپهسالار وفقی که میان دو نماز مشغول خوردن برتقال بود صدای مهبی شنیده گفت (اوای گدوله کجام خورد؟) وغش کرد بمال و امال جیخدی یکساعت بدجر مانده هوش آمد بعد معاوم شد که درب مسجد را باد بهم زده و صدای پیشتاب چیزی نبوده (اما خدا رحم کرد که برتقال هاترش نبود اگر نه باین هول و تکان خدا نکرده آدم افلیج میشد)

و هم درین سال عهدنامه روس و انگلیس در معنی برای حفظ استقلال مملکت ایران و صورتاً برای تقسیم آن بسته شده و در پارلمان دولت علیه نیز مذاکرات طولانی برای مالیات چرخ بستنی فروشی بعمل آمد .

و هم در این سال راه آهن حجاز خبلی بدشرفت کرده آلمانیها خود را بهوا خواهی عالم اسلام معرفی نمودند و تکل گازی عباس گنجینه در [بوز باشی چای] شکسته عباس چوب را بر داشته بچنان مسافر خود حاج محمد آقای ماجر افتاده نامی خورد زد . حاجی آقا پرسید آخر بی انصاف چرا میزنی گفت محض اینکه اگر مسافر من پاك باشد تکل کاری من چرامی شکند (آخر بیچاره حاجی با اینکه از خودش مطمئن بود در رودبار بجهام رفته مراسم غسل را بجا آورد)

و هم در این سال يك نفر شاگرد آئینز قونولگری اسلامبول که بعد ها فقط فروشی بپکرد و چند دهه در شکست شده باسلامبول رفته باز بظهران آمده باز باسلامبول مراجعت کرده باز بظهران برگشته و باسلامبول جوع کرده آخرش از تبریز سردر آورد (اما نه بهندم بد چطور شد)

و هم در اواخر همین سال میرزا آقای اصفهانی از تبریز انتخاب شده یا نشده (بعضی از تبریزی ها که

میگویند نشده) مصمم شد که اگر آقا سید حسن تقی راده بجای نطق در مجلس قرآن هم بخواند تکذیب کند (نزدیکان گفته اند خالف شهر - از اینراه نشد از آن راه)

و هم در این سال يك روز ناصر الملک خبلی برای هم شاگردی خودش [لارد کرزن] فرمانفرمای هند دلش تنگ شده به دولت گفت مرخص کنبد بروم لارد کرزن را به پهنم . دولت هبچی نگفت . باز ناصر الملک گفت اگر مرخص کنبد میروم بر مپگردم . باز دولت هبچی نگفت . باز ناصر الملک گفت والله گفت واته خبلی دلم برایش تنگ شده دولت باز هبچی نگفت . ناصر الملک نوك ناخن شصتش را بسر انگشت سبابه اش گذاشته و جلو چشم دولت نگاه داشته گفت والله دلم برای لارد کرزن اینتده شده . دولت دیگر حوصله اش تنگ شده گفت بابا دست از پنجه ام بردار ده برو ده !!! گفت میروم ، گفت یا الله برو ، گفت میروم گفت زود برو ، گفت میروم ، دولت بگفته از جادر رفته زمین وزمان جلو چشمش تیره و تار شده دستش را به پشت کمر ناصر الملک گذاشته از ارسی هولش داد نوی جهاط گفت یا الله برو دیگر هم جلو چشم من نیا ، ناصر الملک هم سرش را تکان داده گفت اگر پشت گوشت را دیدی باز مرا هم خواهی دید .

و هم در این سال زنهای انگلیس در باب تحصیل حقوق سبابه خود اقدامات بجدانه بعمل آورده اجتماعات بزرگ تشکیل داده قسمت عمده جرائد و نطق خطبا را مشغول خود کردند و برای حقانیت خود مقالات و کتبه های متعدد نوشتند ، و زن ملا محمد روضه خوان يك شب در قزوین دید که ساعت دوشد بچه ها گریه میکنند شام مپخواهند خودش هم خوابش می آید مردکه مهمان شوهرش هم مثل قبر بزمن چسبیده می رود که می رود . از این جهت سر یکی از بجهاش را روی زانوش گذاشته يك شبش بقدر يك لپه پیدا کرده و با ورجین یا ورجین آمد دم اوطاق مردانه و انداخت نوی کفش مهمان ، مهمان مثل اسپندی که روی آتش بریزند هانوقت از جا جسته و هر چه ملا محمد اصرار کرد صبر کنبد بك قلبان بکشبد نشد . مهمان رفت و ضعیفه فاصله دود قبه دیزی را خالی کرد ، و باز بیوك آقای نایب الحکومه [آستارا] شب سوم

اعلان

تأثر خنده و عشق از تألیفات [شپلر] آلمانی که بقالب السنه نقل شده و از غایت اهمیت مؤلف شهر فرانسه [آلکساندر دوما] بترجمه آن پرداخته است اینک جناب ادیب کامل میرزا یوسف خان اعتصام الملک مترجم [ثوره الهند] و [تربیت نسوان] و مؤلف [قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب] و بیسی مؤلفات فاضله دیگر با عباراتی شیرین و ادابی بلیغ و دلنشین بنقل آن از فرانسه بفارسی قیام فرموده ، و راستی قلمی بروائی قلم ادیب معظم باید تا دقایق و رموز تألیفات شپلر را در فارسی روشن نماید . البته هموطنان دانشمند ما میدانند که تأثر آینه عیب نمای هر قوم و مصحح اخلاق و مهذب عادات هر ملت است خاصه وقتیکه نویسنده بقدرت شپلر بتالیف آن اقدام نماید و ادیبی مانند اعتصام الملک مقاضد عالیه آنرا عبارات فارسی بیارید .

در هر حال ترجمه مزبوره اینک با قلمی خوش و حروفی دلگش در مطبعه فاروس بطبع رسیده و با آنکه تخمیناً فریب بیست و یک فرم است به پنجزار دینار در اداره صوراسرافیل و کتابخانه تربیت و در خود مطبعه فاروس بفروش میرسد ، هوا خواهان ادب مجلل های مزبوره رجوع فرمایند .

اعلان

برده های جدید تماشائی سپه نوتو گراف که عوالم خارجی را بطور حرکت و تجسم نشان می دهد بتازگی وارد شده و در خیابان ناصری در یکی از مغازه های جناب تاجر باشی تماشای داده میشود مقدم آقایان محترم از یکساعت بعد از ظهر تا دو ساعت از شب گذشته در کمال احترام پذیرفته میشود

غلطنامه نمره قبل

- صفحه ۳ ، سطر ۷ ، ۲۵ صفر . ۲۵ محرم .
- ایضاً سطر ۱۸ ، و مضمحل . مضمحل .
- ایضاً سطر ۱۹ ، در روز جمعه . در همین .
- ایضاً سطر ۲۳ ، انجمنی . انجمن .
- صفحه ۶ سطر ۱۹ ، عمده . عمده .

پسر دایش برنش گفته بود دکمه پراهن من افتاده بدوز . ضعفه جواب داده بود که خوب نیست رگ و ریشه بهم وصل میشود ، بیوک آقا گفته بود رگ و ریشه چطور بهم وصل میشود . جواب گفته بود مرگ و میر توی ما می افتد ، مرد که گفته بود که این حرفها چه چیز است بد از خدا ترسد بتو میگویم بدوز . چه درد سر از ضعفه انکار از مرد که اصرار آ خرش دوخته بود . از آروز به بعد حالا هی آدمست که از شان می میرد .

و هم در این سال حضرت اشرف پرنس سلح سفير کبر [دوکتر دو فیلو زوفی] و دوکتر [آن دروا] میرزارضاخان دانش ارفع الدوله (خدا برک بدهد به هزارلای گوسفند هر چه میکشی می آد) بموجب قاعده کل امین شجاع در یکی از جزایر بحر سفید مخفی شده تمام مسافرین ایرانی اسلامبول را با اسم اینکه اینها ماور کتن منتد بضبطیه عثمانی سرد ، و میرزا عالم محمد خان غفاری قونسول باد کوبه که از جنس همین کاشی های بد لعاب است محض اینکه از قافله هم شهری ها عقب ماند خودش را بموش مردگی زده داخل انجمن مجاهدین ایرانی ققاز گردید و چند نفر را شناخته به [گو بر ناوور] راپرت داده همه را گیر داده (اما حیف که انجمن های سری آنجا چون هر يك مرگ از معدودی است و هر کس بیش از چند نفر را نمیتواند بشناسد هزاران شعبه دیگر انجمن قونسول مجهول ماند)

و هم در این سال یکصد و پنجاه هزار تومان از بودجه سلطنتی خرج چتی بچه های میدان شد (اگر چه خود بچه ها میگویند نك این پول هم خرج ما نند و بیشترش بکیسه امیر بهادر و سپید علی زردی و مجلل و شیخ فضل الله رفت) حسابها ان را برین ندیدم خبر صحیح را عرض میکنم) و هم در این سال امیر بهادر و قوللر آقاسی پاشی در سر يك مطلب کلا هشان بهم خورده و آبشان از يك جو رفت ، اگر چه آب قوللر آقاسی هم بار فقیش کان نمیکم که از يك جو برود شاعر گوید

من پروا و جوان و شتر گریه قصه ایست

سردو خنك مغزانه پیر با جوان

(دخو)